

سرگشتگی فاعل اخلاقی در بستر عدم قطعیت و تردید

معصومه موحدنیا^۱

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۴/۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۷/۱۸

واژگان کلیدی:

عدم قطعیت

اخلاقی، باور

اخلاقی، عدم

قطعیت توصیفی،

سرگشتگی

اخلاقی، تصمیم.

چکیده: این جستار دربارهٔ عدم قطعیت هنجاری با تقریرهای مختلف و بررسی لوازم آن است. به این منظور، عدم قطعیت در حیطه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، اجتماعی و حالات روانی را شرحی مختصر داده‌ایم و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی تأثیر عدم قطعیت‌ها را فی‌الجمله بر اخلاق هنجاری بررسی کرده‌ایم؛ در این پژوهش، با فرض عدم قطعیت پیامد واقعی رخدادها، شناخت رخدادها و پیامد آن‌ها، ثبات حالات فاعل اخلاقی و واکنش‌های اجتماعی مشخص نیست و وجود قواعد اخلاقی دائم قابل‌تردید است. از یک سو معیارهای اخلاقی برای تصمیم‌گرفتن در حیطه هنجاری کافی نیست، از سوی دیگر عدم قطعیت هنجاری با خوانش ذهن‌گرا یا عین‌گرا لوازم خاصی دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با فرض عدم قطعیت اخلاقی و ترکیب آن با دیگر عدم قطعیت‌ها، تصمیم پیچیده‌تر می‌شود، زیرا در این شرایط فاعل اخلاقی با گزینهٔ درست و نادرست، مجاز و غیرمجاز ... مواجه نیست، بلکه ممکن است با گزینه‌های حداکثر درست و حداقل نادرست مواجه باشد. همچنین در این شرایط رفتار بر اساس گزینهٔ حداکثری، سرزنش فاعل اخلاقی به نقض اخلاق می‌انجامد.

DOI: 10.30470/phm.2021.537226.2052

Homepage: phm.znu.ac.ir

۱. استادیار فلسفه دانشگاه قم، M.Movahednia@gom.ac.ir.

مقدمه

اساس پیامدها تصمیم بگیرد؟ با فرض عدم قطعیت حالات فاعل اخلاقی، چگونه فرد فضیلت‌گرا می‌تواند فاعل اخلاقی فضیلت‌مند را ملاک درستی و نادرستی رفتار بداند و در نهایت با وجود عدم قطعیت آیا اصول اخلاقی ثابت کانتی ممکن است؟ با این شرح کارآمدی نظریه‌های اخلاقی نیز قابل بررسی است. علاوه بر اینکه اندیشه‌هایی مانند نسبی‌گرایی اخلاقی، شکاکیت اخلاقی، خطای اخلاقی جدالِ امروزی میان مکاتب اخلاقی (در مباحثی مانند جایز بودن یا نبودن سقط جنین، گیاه‌خواری و گوشت‌خواری) بسترهای لازم برای عدم قطعیت اخلاقی را فراهم آورده است.

در این حالت، شخص فقط با تصمیم درست و نادرست مواجه نیست بلکه با میزان غیرقطعی از تصمیم درست و نادرست روبروست و چه بسا تصمیم در حالت تردید به نتیجه مطلوب، اقبال و خوشبختی یا به نتیجه نامطلوب، آسیب و شوربختی منجر شود که در مجموع به آنچه سرگشتگی^۲ می‌نامیم، بینجامد.

اندیشه عدم قطعیت^۱ یا عدم اطمینان از فیزیک شروع شده و به تدریج به دانش‌های آزمون‌پذیر و سپس اقتصاد، فلسفه و حتی ادبیات توسعه یافته است (بهشتی، ۱۳۹۲: ۱۷۴؛ واله، ۱۳۹۲: ۱-۱۲؛ مختاری، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۹۷؛ شفیع‌نیا، ۱۳۹۷). تفسیرهای متفاوتی از عدم قطعیت مطرح است؛ عدم قطعیت در خوانش هستی‌شناسانه به این معناست که حوادث و رخدادها قطعیتی نداشته و امکان وقوع هر حادثه‌ای دور از انتظار وجود دارد، عدم قطعیت در خوانش معرفت‌شناسانه سه معنا دارد: نخست به این معناست که امکان معرفت قطعی وجود ندارد، دوم اینکه به‌طور کلی معرفت بشر با محدودیت مواجه است و سوم اینکه برای انسان معرفت تجربی قطعی ممکن نیست (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۲۵-۱۵۵).

عدم قطعیت رخدادها و عدم قطعیت معرفتی انسان، مستقیم یا غیرمستقیم بر اخلاق تأثیر می‌گذارد؛ با فرض عدم قطعیت رخدادها، پیش‌بینی ناپذیری پیامد رخدادها، چگونه فرد سودگرا می‌تواند بر

هم وصف حوادث خارجی و هم وصف حالت معرفتی انسان است و در ادبیات مربوط به این

۱. Uncertainty (به بی‌اعتباری هم ترجمه شده است)

۲. سرگشتگی، عدم قطعیت و تردید، سه تعبیر به هم مرتبط و تا حدی متفاوت هستند. عدم قطعیت،

قطعیت‌ها از شوربختی بکاهد و به حرکت اخلاقی و عقلانی بینجامد.

این نوشتار در گام نخست با توجه به عدم قطعیت، تصمیم را طبقه‌بندی کرده، آن‌گاه با تبیین اقسام متفاوت عدم قطعیت، عدم قطعیت در حیطه اخلاق را شرح داده، سپس در گام دوم لوازم عدم قطعیت اخلاقی را کاویده و در گام نهایی روش‌هایی که مشکل تصمیم در این شرایط را حل یا می‌کاهد، بررسی می‌کند.

۱. اقسام تصمیم و عدم قطعیت

یکی مباحث مهم اخلاقی که از قطعیت و عدم قطعیت تأثیر می‌پذیرد، بحث تصمیم است. با فرض قطعیت جهان و امکان شناخت قطعی آثار و پیامدهای یک تصمیم، تصمیم، یا در شرایط قطعی و اطمینان است یا در شرایط جهل و عدم اطمینان؛ از این رو تصمیم یا درست است یا نادرست، اما با فرض عدم قطعیت، حوادث هستی، قطعی و پیش‌بینی‌ناپذیرند و قطعیت

حوادث خارجی به تردید معرفتی می‌انجامد و تردید معرفتی مستلزم حکم غیرقطعی درباره حوادث خارجی است که در تصمیم فاعل تأثیر گذاشته، او را سرگشته می‌سازند.

1. permissibility.

مسئله این است که اگر فاعل اخلاقی مطمئن نباشد چه کاری درست یا نادرست و چه کاری مجاز^۱ و غیرمجاز است، اخلاق چه توصیه و پیشنهادی دارد؟ با توجه به عدم اطمینان اخلاقی، شرایط و اصول اخلاقی برای حصول تصمیم درست و مناسب چیست؟ (Barry, 2016: 900)

واقعیت این است که با وجود آن‌که نظریه‌های اخلاقی به مسئله تصمیم اهمیت داده‌اند و علی‌رغم آن که بسترهای عدم قطعیت در اخلاق وجود داشته، اما تصمیم و رفتار در شرایط عدم قطعیت در مباحث فیلسوفان اخلاق مغفول است و آنان به گونه‌ای درباره ملاک درستی و نادرستی سخن می‌گویند که گویا پیش‌بینی حوادث ممکن بوده و انسان، محدودیت معرفتی ندارد. به همین دلیل تعیین‌گرایی، سازگارگرایی و نسبت میان جبر عینی با اختیار، هنوز مسئله اصلی اخلاق است. البته ممکن است آگاهی به تردید و عدم

حوزه، به هر دو معنا استفاده شده است؛ اما به نظر می‌رسد عدم قطعیت در معرفت، بهتر است به عدم اطمینان و یا تردید تعبیر شود. تردید نوعی شک معرفتی است. عدم قطعیت رخدادها می‌تواند وصف واقعیت خارجی و یا وصف حکم همراه با تردید باشد. در نتیجه می‌توان گفت عدم قطعیت

و عدم قطعیت، تصمیم را به سه بخش تقسیم می‌کند:

(۱) تصمیم در حالت اطمینان که تصمیم‌گیرنده به پیامدهای تصمیم آگاه بوده و با اطمینان، تصمیم می‌گیرد؛

(۲) تصمیم در حالت عدم اطمینان^۱ که تصمیم‌گیرنده به شکلی مبهم - بدون برآورد میزان عددی یا درصدی پیامدها - به پیامدها و وقوف دارد؛ از این رو تصمیم وی در حالت عدم اطمینان یا امکان محض^۲ گرفته می‌شود؛

(۳) تصمیم در حالت احتمال^۳ که تصمیم‌گیرنده، پیامدها و عوارض تصمیم را بر اساس شواهد تجربی برآورد و به شکل عددی معین کرده است، در این صورت تصمیم وی در حالت احتمال به معنای خاص^۴ است؛ (Hansson, 2013, p. 53-89)

پس باید بین سه نوع تصمیم الف (به‌عنوان یک شخص) تفاوت نهاد:

(۱) الف به پیامد و آثار تصمیم و رفتار X

اطمینان دارد؛

(۲) الف به پیامد و آثار تصمیم و رفتار X اطمینان ندارد؛

(۳) الف پیامد و آثار تصمیم و رفتار X را با درصد احتمال می‌دهد.

(در ادامه خواهیم گفت که قسم دوم و سوم، تفسیرهای خاصی را در عدم قطعیت اخلاقی ایجاد می‌کنند)

۲. اقسام عدم قطعیت

گذشت عدم قطعیت، مستقیم یا غیرمستقیم بر اخلاق و تصمیم مؤثر است. شرح بیشتری از عدم قطعیت‌ها نشان می‌دهد که فاعل به هنگام تصمیم با چه عدم قطعیت‌هایی مواجه است:

عدم قطعیت توصیفی^۵: عدم قطعیت

توصیفی در یک خوانش، به معنای ابهام یا نبود شناخت از پیامدهای ممکن رخدادها در محیط طبیعی و اجتماعی است. هرچند ممکن است با آزمودن، رخدادها را پیش‌بینی کرد، اما امکان تغییر رخداد در

میزان پیش‌بینی می‌شود. برخی در مقابل احتمال یادشده، واژه امکان صرف یا احتمال محض (true probability) را به کار می‌برند (Baron, 2017: 6).

5. descriptive uncertainty (empirical uncertainty).

1. Unwanted event.
2. Mere possibilities.
3. Probability.

۴. در نظریه تصمیم، این احتمال به معنای برآورد میزان عددی پیامدهاست. در مقابل این احتمال، اطمینان و عدم اطمینان وجود دارد. تصمیم در حالت عدم اطمینان پیامدهای احتمالی بدون برآورد

او عدم قطعیت تجربی قسیم عدم قطعیت هنجاری نیست.

نمونه (a1) - ابهام در سرانجام: یک بیولوژیست بر آن است با تغییرات ژنتیکی، رشد گیاهی یا حیوانی را سرعت بخشیده و در زمان کمتر و با هزینه کمتر به نتیجه مطلوب خود برسد. او به این می‌اندیشد که آثار این تغییر چیست و آیا زمان کافی برای دستیابی به نتایج وجود دارد؟ چه بسا پیامدهای دیگری در واقعیت باشد که هنوز مشخص نشده یا اینکه با آزمودن، تنها به شکل احتمال مشخص شود؛ اما ممکن است این پیامدهای مشخص شده نیز تغییر کرده و به نتایجی منجر شوند که ناخواسته و خلاف انتظار بیولوژیست است، هر چند انتظار وی از تغییر ژنتیکی تسریع در رشد گیاه بوده است؛ ولی اکنون این تغییر نه تنها رشد گیاه را تسریع نبخشیده، بلکه آن را متوقف کرده است.

نمونه (b1) - ابهام در واقعیت های تجربی: کارخانه‌داری تصمیم گرفته است برای محل کارش دستگاه اطفای حریق بخرد، اما در این میان تصادف کرده و هزینه های جانبی برای وی ایجاد شده

حین آزمون یا پس از آزمون وجود دارد؛ از این رو هر پیش‌بینی درباره سرانجام حوادث، یقینی نیست. رفتار انسان و سرانجام رفتار انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست^۱ (تاج میر، ۱۳۹۴: ۱۳۲) در این خوانش، عدم قطعیت توصیفی در برابر عدم قطعیت هنجاری قرار گرفته است.

در خوانش دیگر، عدم قطعیت توصیفی ذیل عدم قطعیت تجربی قرار گرفته است. به‌طور نمونه از نظر فرانتس دیتریش^۲ در مقاله «تصمیم در شرایط عدم قطعیت هنجاری»^۳ تصمیم‌های انسان، نه تنها از جهت سرانجام (عدم قطعیت توصیفی)، بلکه از جهت خود واقعیت تجربی و حالات تجربی^۴ در معرض عدم قطعیت هستند (Dietrich, 2019: 2). از این رو عدم قطعیت تجربی اعم از عدم قطعیت توصیفی است (Carr, 2020: 750-757) و مبتنی بر نظری تصمیم درست به ملاحظه تمام جوانب عدم قطعیت‌های پیش‌گفته مرتب است؛ علاوه بر اینکه وی معتقد است امکان ارجاع تردید هنجاری به عدم قطعیت تجربی وجود دارد. از این رو از نظر

3. decision under normative uncertainty.

4. uncertainty about empirical facts, states or consequences.

1. out- comes that her acts will produce.

2. Franz Dietrich.

است؛ از این رو او با حادثه و واقعیتی تجربی مواجه شده که به سرانجام و پیامدهای مورد نظر وی معطوف نیست؛ بلکه رخدادی غیرقطعی است که پیش‌بینی نکرده بود. اکنون او مردد است که برای بیماری خود هزینه کند یا دستگاه اطفای حریق تهیه کند؛ همچنین مردد است که کدام را به تأخیر اندازد، اگر برای خود هزینه کند کارخانه دچار حریق شده، زیان بزرگی خواهد دید و کار برخی از کارگران معطل خواهد شد؛ اگر برای کارخانه هزینه کند، پیامد تأخیر در مان خود را دقیقاً نمی‌داند. این شرح در نمونه دوم نشان می‌دهد که ابهام در واقعیت تجربی تفاوتی چندانی با تردید توصیفی ندارد، زیرا این مورد نیز در نهایت مسأله تصمیم، ابهام در سرانجام است؛ راه‌حل نظریه‌های تصمیم برای تصمیم درست در شرایط عدم قطعیت توصیفی، کاربست روش سود مورد انتظار^۱ است (Hicks, 2018: 172; Carr, 2020: 747; MacAskill, 2020). در این صورت وی باید هزینه (فایده) هر یک از گزینه‌ها را بسنجد و تصمیم بگیرد.

عدم قطعیت اجتماعی^۲: بخشی از

تصمیم‌های انسان در جامعه و با همیاری یا رضایت دیگران تحقق می‌یابد؛ از این رو شخص نمی‌تواند فارغ از واکنش دیگران تصمیم را تحقق بخشد، اما مسأله این است که پیش‌بینی واکنش دیگران مشکل است و نمی‌توان با یقین دربارهٔ واکنش و رضایت داشتن دیگران اندیشید، به‌خصوص که واکنش مردم به تصمیم و رخدادها، تابعی از دین، فرهنگ و میزان رشد جامعهٔ تصمیم‌گیرنده است و از یک جامعه به جامعهٔ دیگر متغیر است؛ از این رو عدم قطعیت اجتماعی بر پیچیدگی تصمیم می‌افزاید (Fleischhu, 2013: 7, 65-68)؛

نمونه (a2) بیولوژیست افزون بر عدم قطعیت توصیفی، با عدم قطعیت اجتماعی هم مواجه است، زیرا تغییرات ژنتیکی گیاه در یک چرخهٔ زیستی، به زندگی انسان‌ها نیز مرتبط است و چه بسا آثار منفی این تغییر به واکنش منفی دیگران بینجامد؛ در این صورت، تصمیم‌گیرنده در این مورد با دو پیامد منفی مواجه است: نخست آثار منفی توصیفی و واقعی که بر تغییرات ژنتیکی مترتب است؛ دوم پیامد اجتماعی، یعنی

1. expected utility theory.

2. social uncertainty.

باقی خواهد ماند یا نه و اینکه آیا این حالت خیرخواهانه ادامه خواهد یافت یا شرایطی روحی برای فرد پیش خواهد آمد که او را از تصمیم منصرف می‌سازد، وی را در اتخاذ این تصمیم مردد کرده است (Fleischhu, 2013: 22).

عدم قطعیت اخلاقی^۱: پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ عدم قطعیت در حوزهٔ اخلاق مرز مشخصی ندارند، اما به‌طور کلی این پژوهش‌ها را می‌توان به دو دستهٔ کلی تقسیم کرد:

الف) مطالعاتی که به تردیدهای برون‌اخلاقی اشاره دارد که ممکن است بر اخلاق تأثیر گذارده یا اخلاق از آن‌ها متأثر شود. این نوع از پژوهش‌ها هم‌زمان با توسعهٔ فناوری، در دههٔ ۱۹۷۰ در علم اقتصاد و نظریه‌های تصمیم مطرح شد. از نظر محققان آن دوره، چون ممکن است توسعهٔ فناوری و پیش‌بینی ناپذیری حوادث، ارزش‌های انسان را در معرض تهدید قرار دهد، از یک‌سو تحلیل^۲ و سنجش^۳ خطرپذیری تصمیم برای برآورد میزان آسیب احتمالی به ارزش‌ها را ضروری می‌دانند، از سوی دیگر معتقدند تحلیل

نوع برخورد مردم با این مسأله. نمونهٔ (b2) کارخانه‌دار در تهیهٔ دستگاه اطفای حریق برای کارخانهٔ خود مردد است. وی از یک‌سو می‌داند این وسیله از خطر آتش احتمالی می‌کاهد؛ در عین حال، هزینه برای انجام دادن چنین کاری با هزینهٔ درمانی وی در تعارض است. ترجیح درمان خویش و ترک خرید دستگاه یادشده، ممکن است واکنش منفی کارگران را در پی داشته باشد. راه‌حل نظریه‌های تصمیم در این موارد، سنجش نظر کسانی است که در معرض تصمیم (کارگران) هستند؛

عدم قطعیت روان‌شناسانه: بخش مهم تصمیم به حالت روحی تصمیم‌گیرنده وابسته است و در یک تصمیم‌زمانمند، ثبات انگیزه و حالت روانی شخص در طی تصمیم، مهم است و این احتمال وجود دارد که فاعل اخلاقی در میانهٔ راه مردد شود و تصمیم معطل بماند.

نمونهٔ (c) الف تصمیم گرفته است هر ماه مقداری از سرمایهٔ خویش را به مؤسسهٔ خیریه ببخشد، اما این مسأله که آیا قدرت و اراده بر انجام تصمیم از سوی او

3. assessment.

1. ethical uncertainty.
2. analysis.

در مقاله «دستورالعملی برای اخلاق ریسک^۲» تحت عنوان «اخلاق عدم قطعیت و عدم اطمینان^۳» مطرح می‌کند و بر آن است که شرح دهد در مواقعی که به لحاظ هستی‌شناسی، قطعیتی وجود ندارد و حوادث عالم طبیعت پیش‌بینی‌پذیر نیستند، از توجه به مسائل اخلاقی خاص آن گریزی نیست؛ زیرا این گونه تصمیم‌ها مستلزم آسیب احتمالی به دیگران و اتخاذ تصمیم خطرآفرین است (Roeser, 2009: ۱۳) از همین منظر، وی با نقد سنجه‌های نظریه‌های اخلاقی، ناکامی آن‌ها را آشکار ساخته و از این جهت به حوزه عدم قطعیت هنجاری و پژوهش‌های قسم دوم وارد شده است (نسبت این نوع پژوهش‌ها با اخلاق هنجاری محل اختلاف است).

پژوهش‌های قسم دوم به عدم قطعیت در حیطه اخلاق مرتبط است که ممکن است در سطوح مختلف اخلاق ایجاد شده و به گستردگی حیطه اخلاقی تو سعه یابد؛ یعنی عدم قطعیت در حیطه فرا اخلاق، در حیطه اخلاق هنجاری^۴ - کاربرد و

خطرپذیری امری علمی و نسبت به ارزش بی طرف است و نمی‌تواند تعیین‌کننده ارزش‌ها باشد. در این صورت برای تعیین ارزش‌ها به اخلاق نیازمند است. علاوه بر این در این سنخ از تصمیم‌ها، چارچوب-های اخلاقی اهمیت دارند، زیرا در نمونه‌های (a1, a1, b1, b2) اگر واقعیت‌های عینی متعین نیست و واکنش اجتماعی مشخص نیست، آیا به لحاظ اخلاقی، تصمیم‌گیری درست است و قواعد، لوازم و مسائل اخلاقی آن چیست؟ به‌طور مثال اگر تصمیم مستلزم خطر است باید مسأله توزیع زیان، جبران زیان نیز باید در نظر گرفته شود. نظریه‌های تصمیم در حالت عدم قطعیت به چارچوب و اصول اخلاقی نیازمندند تا علاوه بر «درست تصمیم گرفتن» به «تصمیم درست گرفتن» نیز توجه کنند.

برخی این سنخ از پژوهش‌ها را «اخلاق عدم قطعیت» می‌نامند؛ هانسون در کتاب خود^۱ مسائل اخلاقی در حوزه فناوری را بررسی کرده است (Hansson, 2013: 13-35) و این دست مسائل را

4. Moral uncertainty.

کاوش‌ها درباره عدم قطعیت اخلاقی (هنجاری) نیز بحثی فرا اخلاقی درباره اخلاق هنجاری است.

- 1 The Ethics of Risk: Ethical Analysis in an Uncertain World.
2. An Agenda for the Ethics of Risk.
3. Ethics of risk and uncertainty.

دلیل اخلاقی و قدرت عملی بر انجام فعل اخلاقی است (Hicks, 2018: 162).

به همین ترتیب، تصمیم و رفتار اخلاقی، در بستر عدم قطعیت اخلاقی، مفهوم تازه‌ای می‌یابد و همانند نظریه‌های تصمیم، تصمیم و رفتار اخلاقی به سه قسم تقسیم می‌شود:

- (۱) الف به درستی / نادرستی تصمیم و رفتار X مطمئن است؛
- (۲) الف به درستی / نادرستی تصمیم و رفتار X مطمئن نیست؛
- (۳) الف درستی / نادرستی تصمیم و رفتار X را احتمال می‌دهد.

۳-۱. مفهوم تردید در درستی و نادرستی

تردید در درستی و نادرستی، گاه با نگره ذهن‌گرایی^۳ خوانش شده است. در این نگره اخلاقیات و سنجه، درستی یا نادرستی یک رفتار را باور فرد تعیین می‌کند^۴. باورهای فرد تعیین می‌کند که چه باید انجام داد یا کدام تصمیم مجاز یا غیرمجاز است؛ از این رو عدم قطعیت اخلاقی در

است، اینکه شخص به اخلاقیات تعین می‌بخشد (Subjective determinations) (ر.ک: کمالی، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

حرفه‌ای- (Barry, 2016: 900;) و در ادامه (Fleischhu, 2013: 5-7) تنها بحث به تردید هنجاری محدود می‌شود.

۳. فاعل اخلاقی و تردیدهای هنجاری

با وجود آنکه نظریه‌های اخلاقی به مسأله تصمیم توجه کرده‌اند و از جنبه هنجاری، برای حل این مسأله که چگونه باید تصمیم گرفت، معیارهای درست و نادرست را باید و نباید تصمیم را شرح داده‌اند (Hansson, 2005: 5-7; اما Hansson, 2013: 12 – 13, 26). فیلسوفان اخلاق از کاوش درباره تصمیم در حالت عدم قطعیت غفلت کرده‌اند.

توسعه عدم قطعیت به اخلاق، مفهوم و واژه جدید «عدم قطعیت اخلاقی»^۱ را ایجاد کرده است که به عدم قطعیت در حیطه اخلاق هنجاری اشاره داشته و به معنای تردید درباره ملاک‌های درستی و نادرستی تصمیم و رفتار، اصول اخلاقی^۲،

1. Moral uncertainty.
2. Unsure about which moral principles are correct.
3. Subjectivism.

۴. سابجکتیو و ذهنی معانی مختلف دارد مقصود در این نوشتار، وابسته بودن اخلاقیات به شخص

رفتار کند؛ اما در ادامه این مسأله بررسی خواهد شد که توسل به باور محکم در برابر باور ضعیف‌تر در مواردی که امکان آسیب وجود دارد، معقول به نظر نمی‌رسد (Harman, 2015: 53-55).

قسم دوم از عدم قطعیت هنجاری، عدم قطعیت در باره ثبات و عدم ثبات حالات روانی شخص است. برخی نویسندگان این خوانش از عدم قطعیت هنجاری را قسم اخلاق ذهن‌گرا و باورمحور مطرح کرده‌اند (ibid: 215)؛ اما به نظر می‌رسد این قسم از عدم قطعیت اخلاقی با نظریه فضیلت‌گرا تناسب بیشتری دارد و می‌تواند نوعی از خوانش ذهنی محسوب شود. در نظریه فضیلت‌گرا، اخلاقیات بر انسان فضیلت‌مند مبتنی است و در فرایند تصمیم، تغییر و ثبات فاعل اخلاقی فضیلت‌مند اهمیت دارد و در صورت عدم ثبات، تداوم رفتار اخلاقی ممکن نیست؛

۱. الف حالت اخلاقی ثابت ندارد و ممکن است در انجام دادن رفتار X متعهد نباشد؛

تفسیر دیگر از تردید در درستی و نادرستی، به نگره عین‌گرایی^۱ نزد یک

این خوانش به معنای تردید شخص در درستی یا نادرستی یک تصمیم و رفتار است. در این حالت، باور شخص بین گزینه‌های مختلف ترک کردن یا انجام دادن فعل، توزیع شده است؛ برای نمونه:

۱. الف از یک سو باور دارد ترک X عمیقاً خطا نیست و از سوی دیگر باور دارد انجام X ده درصد خطاست.

۲. الف از یک سو باور دارد انجام X عمیقاً خطا نیست و از سوی دیگر باور دارد ترک X ده درصد خطاست.

در این دو حالت، الف در یک طرف نسبت به ترک و یا انجام یک رفتار، باور بیشتری داشته و در جهت دیگر نسبت به انجام و یا ترک رفتار، باور کمتری دارد؛ به دلیل آنکه میزان باور شخص، درستی رفتار را تعیین می‌کند، نه آزمودن؛ از این رو در این تفسیر، تصمیم بر احتمالی (امکان محض) مبتنی است که ناشی از آزمون نیست.

مسأله این است که شخص مردد به کدام باور باید تکیه زند؟ چه بسا گفته شود شخص باید به محکم‌ترین باور توجه کند و گزینه‌ای را که در آن باور ضعیفی وجود دارد، کنار نهد و بر پایه باور حداکثری

قسم چهارم از تردید در درستی و نادرستی، با عدم اطمینان یا احتمال محض^۱ همراه است و بدین معناست که الف با آزمون، میزان درستی تصمیم X را برآورده نکرده است و احتمال وی دست کم بین دو گزینه توزیع می شود:

۱. الف احتمال می دهد تصمیم الف X (تا حد زیادی) درست است؛ همچنین احتمال می دهد تصمیم X (تا حدی) نادرست است و ترکش بهتر است.

۲. الف احتمال می دهد تصمیم الف X (تا حد زیادی) نادرست است؛ همچنین احتمال می دهد تصمیم X (تا حدی) درست و انجامش بهتر است.

قسم پنجم از عدم قطعیت هنجاری با الزام اخلاقی خوانش می شود؛ بدین معنا که فاعل اخلاقی به باور اخلاقی/ اخلاقیات دست یافته، اما در تعهد به انجام و بایستگی ضرورت آن تردید دارد (Harman, 2015: 53-55).

الف می داند انجام دادن رفتار X درست است، اما در بایستگی انجام آن مردد است.

۳-۱-۱. تردید بین درست و درست‌تر

است. در اندیشه عین‌گرا، حقایق اخلاقی اموری عینی‌اند که از واقعیت عینی دریافت می شود. به طور معمول از نظر عین‌گراها، احکام اخلاقی را یا درستند یا نادرست (ادوارد مور، ۱۳۶۶: ۵۶-۷۰)، اما مبتنی بر عین‌گرایی و عدم قطعیت، حداقل بخشی از تصمیم‌ها در حالت عدم قطعیت گرفته می شوند. این قسم از عدم قطعیت با معرفت احتمالی سازگارتر است و به این معناست که فاعل جنبه‌ها و سرانجام تصمیم را کاوش کرده و با آزمون، میزان حوادث نامطلوب و مطلوب احتمالی را به دست آورده است، در این صورت قسم سوم عدم قطعیت اخلاقی بدین معناست که الف میزان درستی تصمیم X را برآورده کرده است و احتمال وی دست کم بین دو گزینه توزیع می شود:

۱. الف نود درصد احتمال می دهد تصمیم الف X درست است و ده درصد احتمال می دهد تصمیم X نادرست است و ترکش بهتر است.

۲. الف نود درصد احتمال می دهد تصمیم الف X نادرست است و ده درصد احتمال می دهد تصمیم X درست است و انجامش بهتر است.

1. mere possibilities.

تردید دارد که کدام مجازتر است. نمونه (f) روایی یا ناروایی سقط جنین و عدم سقط جنین، مناقشات بسیاری در میان فیلسوفان ایجاد کرده است (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۲۳۱). اما بحث این بخش محدود به سقط جنین در دوهفتگی و در حالتی که جنین هنوز حیات ندارد، در این شرایط سقط یا نگهداری آن مجاز است؛ اما شخص به دلیل هزینه‌ای که نگهداری ایجاد می‌کند، در نگه داشتن آن مردد است (MacAskill, 2020: 180; Harman, 2015: 54-55).

در تمام موارد، شخص میان درست و درست‌تر یا بین مجاز و مجازتر مردد است و نویسنده کوشیده است به شیوه نمونه‌آوری، تردید فاعل را بین درست و درست‌تر اثبات کند، اما دلیل و تشبیه نویسنده ناقص است؛ زیرا نمونه‌های وی نشان می‌دهد تردید میان درست و درست‌تر، به دلیل لحاظ مؤلفه‌ها و گزینه‌های دیگری است که در حالت اول وجود نداشت، به طوری که حذف آن گزینه، تردید را رفع می‌کند:

در نمونه (d) در زمانی که به سرعت و تعادل رانندگی در خیابان خالی از تردد،

در نگره نخست به نظر می‌رسد عدم قطعیت اخلاقی مرز دقیقی میان درستی و نادرستی نمی‌سازد و هر رفتاری میزانی از درستی و نادرستی را داراست؛ از این رو انتخاب فاعل بین درست و نادرست نیست؛ بلکه فاعل در انتخاب میان گزینه‌های درست و درست‌تر یا بد و بدتر مختار است؛ اما آیا به واقع در حالت عدم قطعیت، فاعل میان بد و بدتر مختار است یا میان درست و درست‌تر مردد است و آیا این مواردی که فاعل مردد است، قابل ارجاع به قطعیت است؟

به باور ویلیام مک‌اسکیل^۱ گاهی فاعل میان درست و درست‌تر مردد می‌شود. این نویسنده با طرح نمونه‌هایی کوشیده است ادعای خود را اثبات کند:

نمونه (d) رانندگی با سرعت بالا و یا با سرعت متعادل در جاده‌ای خالی از خودرو ... درست است، اما راننده مردد است؛ زیرا ممکن است به طور اتفاقی شخصی در مسیر باشد و در معرض آسیب قرار گیرد.

نمونه (e) یک شخص، باورمند به گیاه‌خواری^۲ است. به باور وی خوردن گیاه و گوشت مجاز است؛ ولی شخص

2. vegetarianism.

1. William MacAskill.

شده است؛ یعنی هر دو گزینه به نوعی در ستند؛ اما گزینه بیست در صدی، درست و گزینه هشتاد در صدی درست تر است؛ همچنین از تحلیل درست و درست تر، به نادرست و نادرست تر می‌رسیم؛ یعنی گزینه بیست در صدی می‌تواند حاوی هشتاد درصد نادرستی باشد و گزینه هشتاد درصد درست در درون خود، بیست درصد نادرستی دارد.^۱

۳-۲. تردید در دلیل اخلا

املیا هیکس^۲ در مقاله‌ای با عنوان «عدم قطعیت اخلاقی و مقایسه ارزش» بحثی مطرح کرده است که می‌توان نتیجه گرفت سرگشتگی فرد در تصمیم اخلاقی و ناتوانی وی در تعیین درست و نادرست چه بسا از فقدان دلیل^۳ معتبر ناشی شده باشد؛ به گونه‌ای که شخص به دلیل فقدان دلیل معتبر در تصمیم و رفتار تردید دارد. در نمونه (c2) الف بین این که پول خود را صرف آموزش یا صرف امور خیریه کند، مردد است؛ هرچند هر دو گزینه، مجاز و درست هستند؛ اما الف دلیل کافی برای انتخاب بین دو تصمیم ندارد.

یک گزینه اضافه می‌شود، یعنی امکان تردد شخص دیگر، راننده در رانندگی با سرعت تردید می‌کند؛ اگر تردد شخص دیگر حتمی باشد، سرعت بالا نادرست و غیرمجاز است. اگر تردد شخص دیگر ممکن و اتفاقی باشد، سرعت بالا و متعادل هر دو درست است؛ اما بنا بر نظر این نویسنده، سرعت متعادل درست تر است. اگر تردد شخص دیگر محال باشد، هر دو گزینه درست خواهد بود؛ در نمونه (e) در عین اینکه الف به گیاه‌خواری باور دارد، زمانی که گزینه امکان غلط بودن گوشت‌خواری را اضافه می‌کند، درست و درست تر ایجاد می‌شود. در نمونه (f) زمانی که سنجۀ حق حیات در کنار پیامد و هزینه‌ها قرار می‌گیرد، درست و درست تر ایجاد می‌شود؛ از این رو تشبیه نویسنده ادعای وی را اثبات نمی‌کند.

اما توجه به شرحی که در آغاز درباره تردید در درستی و نادرستی داده شد، تردید بین درست و درست تر روشن تر می‌شود؛ زیرا گفته شد در حالت عدم قطعیت اخلاقی، باور بین دو گزینه هشتاد در صدی و بیست در صدی توزیع

2. Amelia Hicks.

3. argument.

۱. بازنگری این تحلیل در بخش تفاوت تردید در

نظر و عمل خواهد آمد.

(2018: 16-165).

البته این شیوه در حل مناقشه عدم قطعیت اخلاقی، عدم قطعیت اخلاقی را از عدم قطعیت توصیفی متمایز می‌کند؛ زیرا در عدم قطعیت توصیفی در نظریه تصمیم، کاربست اصل سود و هزینه بود (که پیش‌تر بدان اشاره شد) در حالی که پیتر سینگر از روش عقلی استفاده کرده است.

۳-۳. تردید در توانایی عملی فاعل اخلاقی

بخش دیگری از سرگشتگی تصمیم‌گیرنده، ناشی از تردید در قدرت و توانایی در تحقق تصمیم است. شخص الف مردد است که آیا می‌تواند به شیوه‌ای درست رفتار X را انجام دهد که تأثیر رفتار درست را داشته باشد؛ به بیان دیگر آیا او به شکل متقاعدکننده‌ای می‌تواند به انجام دادن عمل X مبادرت ورزد که تأثیر رفتار اخلاقاً درست را داشته باشد. در نمونه (g) الف تردید دارد که آیا او می‌تواند به نحو متقاعدکننده‌ای دروغ / راست بگوید که مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. آیا سخن او تأثیرگذار بوده و دروغ را چنان گفته است که دیگران آن را راست پندارند. به نظر می‌رسد این قسم تردید را

در این نوع از سرگشتگی، شخص با دو گزینه مواجه است که برای انجام هر کدام، به دلیل نیاز دارد. اینجا بحث از گزینه حداقلی و اکثری نیست که وی به گزینه حداکثری توجه کند؛ بلکه بحث دلیلی برای ترجیح یک گزینه درست بر گزینه درست دیگر است.

راه‌حل پیتر سینگر برای رفع این تردید، نوعی استدلال تشبیهی و تمثیلی است. به باور وی اگر در این موارد به خیریه‌ها کمک نشود، مانند این است که شخصی در حال غرق شدن باشد و شما مشغول کتاب خواندن باشید. در اینجا وظیفه شخص ایجاب می‌کند از غرق شدن آن شخص جلوگیری کند؛ در غیر این صورت به مرگ وی کمک کرده است. از نظر پیتر سینگر، شخص در این حالت یا نتیجه^۱ را پذیرفته و به خیریه کمک می‌کند و یا نتیجه را نپذیرفته و از وظیفه خود سر باز می‌زند. در هر دو حالت، وی به نوعی قطعیت رسیده است؛ اما اگر در این دلیل تردید کند، در حقیقت وی به عدم قطعیت در دلیل گرفتار شده است و در این حالت، باید به دلیل عقلانی استناد ورزد تا عقل، تکلیف اخلاقی را مشخص کند، Hicks,

1. conclusion.

۴-۱. افزونی سرگشتگی فاعل اخلاقی در بستر هم‌افزایی عدم قطعیت‌ها

ممکن است این گونه به نظر برسد عدم قطعیت، شخص را از محدودیت تعین و جبر به آزادی می‌رساند، اما از موضع این نوشتار، سرانجام عدم قطعیت سرگشتگی است؛ زیرا انسان با اقسام متنوعی از عدم قطعیت‌ها مواجه است و وجود احتمال در کنار احتمال، عدم اطمینان در کنار عدم اطمینان، بی‌نهایت مسیر را برای فاعل نشان می‌دهد. او در هر لحظه ممکن است با شرایط جدیدی روبرو شود که باید تصمیم بگیرد؛ یعنی تصمیم بگیرد یک گزینه را بر گزینه دیگر ترجیح دهد. با تردید توصیفی «نمی‌تواند آثار و عوارض تصمیم خود را پیش‌بینی کند» و با تردید هنجاری نمی‌تواند «رفتار درست و نادرست»، «مجاز و غیرمجاز» را تشخیص دهد (Podgorski, 2020: 43; Barry, 2016: 899). به‌طور خاص‌تر او «نمی‌داند دیگران در واکنش به تصمیم وی چه موضعی برمی‌گزینند و آیا موضع آنان ثابت است» و درنهایت «نمی‌داند حالات و قدرت وی در ادامه تصمیم ثابت است یا متغیر». شرح بیشتر عدم قطعیت‌های غیراخلاقی و عدم قطعیت (درون) اخلاقی،

نتوان نوعی تردید هنجاری به حساب آورد؛ زیرا شخص در این مسأله مردد است که قدرت تأثیر سخن وی چیست؛ یعنی برای وی آثار سخن یا رفتار وی نامشخص است. وی در امکان و عدم امکان تأثیر گذاری مردد است. این ترسیم از تردید در حقیقت به تردید توصیفی بیشتر شبیه است تا تردید هنجاری. مگر آن‌که ثابت شود عدم قطعیت توصیفی و هنجاری به هم وابسته‌اند و بدون رفع تردید توصیفی، تردید هنجاری بر طرف نمی‌شود (Hicks, 2018: 161-165).

۴.۲. بررسی و نقد کلی بر عدم قطعیت اخلاقی

بررسی آنچه گذشت نشان می‌دهد مسائل اخلاقی در بستر عدم قطعیت پیچیده‌تر می‌شوند؛ برای کاهش این پیچیدگی به نظر می‌رسد آگاهی مضاعف به عدم قطعیت‌هایی که فاعل با آن مواجه است، نقد عمل بر اساس گزینه حداکثری، امکان و عدم امکان ارزیابی و داوری فاعل اخلاقی ... به تصمیم آگاهانه کمک می‌کند. رعایت چارچوب‌های تصمیم اخلاقی، آسیب تصمیم در بستر عدم قطعیت و سرگشتگی را کاهش می‌دهد:

(ب) عدم قطعیت‌های اخلاقی (هنجاری)^۲

فاعل اخلاقی ممکن است در حیطه عمل

دچار اقسام متفاوتی از تردیدها شود:

(۱) عدم قطعیت در درستی یا نادرستی؛

(۲) عدم قطعیت در باید و نباید؛

(۳) عدم قطعیت در مجاز و غیرمجاز؛

(۴) عدم قطعیت در استدلال اخلاقی؛

(۵) عدم قطعیت در حالات اخلاقی، یعنی در

فضیلت و رذیلت؛

(۶) عدم قطعیت در مسئولیت‌پذیری و

مسئولیت‌ناپذیری؛

(۷) تردید در نظریه انتخابی.

در این صورت فاعل اخلاقی در

هنگام تصمیم با مسائل پیچیده‌ای در حالت

عدم قطعیت روبروست و بررسی موارد

پیش‌گفته، ملاحظات خاصی را اقتضا

می‌کند:

اول: در عدم قطعیت غیراخلاقی و از

نگره توصیفی، این پرسش قابل بحث

است: آیا انسان در شرایطی که پیامد/

واکنش ... مثبت است با شرایطی که پیامد

/واکنش منفی است، از منظر توصیفی، به

یک شکل تصمیم می‌گیرد و از منظر

هنجاری، باید به یک شکل تصمیم بگیرد

یا تصمیم در هر کدام متفاوت است؟

پیچیدگی تصمیم و انتخاب در مرحله مورد

نظر را بیشتر نشان می‌دهد. هر چند ممکن

است عدم قطعیت اخلاقی به هنگام عمل

اهمیت بیشتری بیابد:

(الف) عدم قطعیت‌های غیر اخلاقی

عدم قطعیت در حیطه‌های هستی‌شناسی،

اجتماعی، روان‌شناسی و معرفت‌شناسی،

خارج از حیطه اخلاق و غیراخلاقی‌اند^۱،

هر یک از عدم قطعیت‌ها از جهتی بر

تصمیم مؤثرند:

(۱) در حیطه هستی‌شناسی، پیامد و آثار یک

تصمیم و رخداد ممکن است مثبت یا منفی

باشد؛

(۲) در بستر عدم قطعیت اجتماعی ممکن است

واکنش به تصمیم مثبت یا منفی باشد؛

(۳) در حالات روانی شخص تصمیم‌گیر،

متغیرهایی وجود دارد و به‌طور کلی ثبات و

عدم ثبات در حالات انسان، در دانایی و نادانی،

توانایی و ناتوانی، باارادگی و بی‌ارادگی ...

بروز می‌یابد؛

(۴) از جهت نوع معرفت شخص به آثار و

پیامد تصمیم، معرفت ممکن است به شکل

احتمال یا عدم اطمینان باشد.

2. normative uncertainty.

۱. مربوط به اخلاق نیست نه اینکه ضد اخلاق است.

در نهایت، کدام عدم قطعیت در تصمیم اهمیت دارد و شرایط تصمیم در حالت عدم اطمینان و احتمال چیست؟ تصمیم در احتمال و عدم اطمینان چه مسائل اخلاقی را طرح می‌کند و به چه مسائل اخلاقی باید توجه کرد و پایبند بود^۱؟ در این شرایط آیا انسان می‌تواند فارغ از تردیدها به تصمیم درست برسد؟ آیا ممکن است انسان مزین به خاصیت اختیار و آزادی، از سرگشتگی نجات یابد؟ یک نمونه از این سرگشتگی را مک‌اسکیل، در مقاله^۲ خود شرح داده است. از نظری اگر شخص بین گزینه X و Y مردد است و به اعتقاد این شخص گزینه X هشتاد درصد درست است و گزینه Y بیست درصد درست است، مبتنی بر این درصدها می‌توان گفت گزینه‌های انتخابی چهار حالت می‌یابد (MacAskill William, 2016: 967-970).

۱. X را انجام دهد و باید X را انجام می‌داد؛
۲. Y را انجام دهد و باید Y را انجام می‌داد؛

دوم: بدیهی است ترکیب عدم قطعیت‌های گروه «الف» با «ب» بر تردید شخص می‌افزاید؛ اما پرسش اخلاقی این است که از منظر فلسفه اخلاق، کدام ترکیب‌ها مجاز و درست و کدام ترکیب‌ها به هم مرتبط است؟ آیا عدم قطعیت توصیفی به عدم قطعیت هنجاری مرتبط است؟ یعنی آیا تردید در پیامدها به تردید در تصمیم بر درستی و نادرستی رفتار تأثیری می‌گذارد؟ به بیان دیگر «آیا تردید فاعل به آن چه انجام می‌دهد» ربط دارد؟ آیا نظریه اخلاقی شرایط معرفتی را در تصمیم مؤثر می‌داند؟ و به‌طور دقیق‌تر آیا نظریه اخلاقی موظف است که شرایط معرفتی را در نظریه خود لحاظ کند. کدام نظریه‌های اخلاقی با این تأثیرگذاری سازگارند (Fleischhu, 2013: 68).

سوم: با این فرض که عدم قطعیت توصیفی بر تصمیم هنجاری تأثیر دارد، آیا فاعل باید سازگار رفتار کرده و در هر دو شرایط یک تصمیم بگیرد، یا اینکه شخص باید به هنگام رفتار شرایط را در نظر بگیرد و به صورت متفاوت تصمیم بگیرد؟

است. هدف این نوشتار، تحلیل عدم قطعیت هنجاری و مسائل و لوازم آن است.

2. normative uncertainty as a voting Problem.

۱. پاسخ به هر کدام از پرسش‌های یادشده به تحلیل بیشتری نیاز دارد که خارج از موضوع این نوشتار

بر اساس بیشترین باور خود رفتار کند؛ از این رو چون باور فاعل بر هیچ یک از دو طرف متمرکز نیست، تصمیم بر اساس باور حداکثری (برای مثال ۹۰ درصد) و ترک گزینه حداقلی (۱۰ درصد) معقول است؛ زیرا گزینه ۹۰ درصد به دلیل پیامد مثبت، بر گزینه ۱۰ درصد به دلیل پیامد منفی ترجیح دارد؛ اما این نظر معقول ابتدایی با فرض دیگری مواجه است. فرض کنیم گزینه ۱۰ درصد مشتمل بر مخاطره‌ای شدید است که در نسبت با پیامد مثبت گزینه دیگر قابل قیاس نیست و مخاطره شدید این پیامد مثبت را تخریب می‌کند.

در نمونه (b3) شخص الف قصد دارد یک دستگاه اطفای حریق برای کارخانه‌اش بخرد، اما هزینه تهیه دستگاه بسیار زیاد است؛ به‌ویژه که او از این کارخانه سود چندانی نمی‌برد، اما وی ۱۰ درصد احتمال می‌دهد که حادثه‌ای نامطلوب رخ دهد و کارخانه را به مخاطره بیندازد. اگر او بر اساس ۹۰ درصد عمل کند و ۱۰ درصد را ترک کند و سپس اتفاق ناگواری که احتمال کمی برای آن می‌داد، رخ دهد، چه می‌شود؟ پس باید بین مواردی که بیشترین باور همراه با گمان خطر هست ولی گمان خطا نیست، تفاوت

۳. X را انجام دهد در حالی که Y درست است؛

۴. Y را انجام دهد؛ در حالی که X درست است.

پس مبتنی بر سخن وی، فاعل در حالت عدم قطعیت و تردید بین گزینه X و Y، با چهار گزینه روبرو بوده است، نه دو گزینه؛ زیرا در شرایط عدم قطعیت است، چه‌بسا دو تصمیم درست و دو تصمیم نادرست در پیش روی تصمیم‌گیرنده باشد. در واقع ممکن است درست، نادرست باشد و نادرست، درست باشد. شرح گزینه‌های درست و نادرست و لوازم و مشکلات آن بسیار فراتر از این مثال است و در هر تفسیری از درستی و نادرستی تقریری متفاوت خواهیم داشت که مسائل و لوازم دیگری را می‌طلبد.

۴-۱. مخاطره عمل بر اساس گزینه حداکثری

پیش‌تر عدم قطعیت اخلاقی با دو خوانش ذهن‌گرایی و عین‌گرایی شرح داده شد؛ خوانش ذهن‌گرا به لحاظ نوع معرفت با عدم اطمینان سازگارتر است و خوانش عین‌گرا با احتمال معرفتی سازگارتر است. در نگاه اول به نظر می‌رسد بر اساس خوانش ذهن‌گرا، بهتر است فاعل سرگشته

است، اما تردید دارد که خیریه این سرمایه را به شکل درستی صرف سالمندان می‌کند، او همچنین احتمال می‌دهد تصمیم وی پیامدهای منفی داشته باشد که از آن‌ها آگاه نیست؛ در این صورت نمی‌توان گفت توجه به باور یا احتمال بیشتر، نقش افزون‌تری در تعیین گزینه انتخابی دارد.

در نمونه (k) هر چند رانندگی در حالت نگرانی خطا نیست و تنها امکان خطا یا با احتمال ده درصد خطا وجود داشته باشد، ولی این امکان یا احتمال ده درصد ممکن است به خطر مرگ منتهی شود. در این صورت، ترجیح باور محکم‌تر معقول نیست.

افزون بر این ممکن است واقعیت همان باور مورد تردید و یا احتمال حداقلی باشد نه باور و احتمال حداکثری؛ در این صورت با رفتار بر اساس گزینه حداکثری، وی ناخواسته دچار خطای اخلاقی شده است.

۵. مشکل ارزیابی و عدم قطعیت

عدم قطعیت فاعل اخلاقی (در خوانش‌های

گذارده و در مواردی که تصمیم مستلزم خطر امکانی است، به ۱۰ درصد باور خود نیز توجه کرد.

ممکن است شخص در حالت تردید با شیوه عین‌گرایی بر اساس احتمال، تصمیم بگیرد، یعنی گزینه هشتاد درصد احتمال را ترجیح دهد و بیست درصد را رها کند. این شیوه از تصمیم در مواردی که پیامد تصمیم خطرآفرین است مشکل‌زاست.

نمونه (a3) در تغییر ژنتیکی، فرض بیولوژیست این است که پیامد تغییرات ژنی منفی نیست و با پژوهش، آزمایش‌گر با احتمال ۸۰ درصد به این نتیجه می‌رسد که آن تصمیم خطرآفرین نبوده و پیامد نیست، اما اگر در این حالت واقعاً پیامد منفی داشته و خطرآفرین باشد و بیولوژیست بر اساس احتمال حداکثری عمل کند، رفتاری مخاطره‌آمیزه داشته است^۱ (Roeser, 2009: 16).

در نمونه (c3)، الف تصمیم گرفته است پول خویش را به خیریه سالمندان ببخشد. وی قطعاً می‌داند این رفتار در ست

۱. محققان به آن خطای درجه اول -A type I- error یا مثبت کاذب می‌گویند (در مقابل خطای درجه دو -A type II error- یا منفی کاذب).

قطعیت، از حیرانی و سرگشتگی در باره گزینه‌های انتخابی ناشی می‌شود. در حقیقت فاعل سرگشته و حیران به هیچ‌کدام از گزینه‌ها اطمینان کامل ندارد، از این رو به لحاظ نظری چندگزینه‌ای انتخابی داشته و هیچ‌کدام از گزینه‌ها و در نتیجه رفتارهایش کاملاً بر خطا نیست؛ زیرا با گزینه‌هایی روبه‌روست که نه کاملاً درست و نه کاملاً غلط و نادرست است؛ درنهایت و در عمل یک گزینه انتخابی دارد. در صورتی که گزینه‌ی ترجیحی فاعل در واقعیت خطا باشد، نمی‌توان وی را سرزنش نمود؛ زیرا به گمان خود بر اساس گزینه درست‌تر رفتار کرده است و در عین حال کاملاً بخشوده نیست؛ زیرا به خطا رفتار کرده است؛ ولی پوزش خواهی وی نیز موجه نیست؛ زیرا ممکن است واقعا رفتار وی درست باشد. از این رو عدم قطعیت اخلاقی، موجب عدم قطعیت در سرزنش و پوزش خواهی فاعل اخلاقی می‌گردد.

با تحلیل مقاله‌ی کریستین باری^۲ با عنوان «عدم قطعیت اخلاقی و معجاز بودن: ارزیابی مجموعه‌ی گزینه‌ها»^۳ می‌توان

مختلف آن) داوری رفتار خود یا دیگران را مشکل می‌کند. زیرا رفتار X در زمان نخست بر اساس نتایجش در زمان دوم ارزیابی می‌شود؛ اولاً ممکن است در زمان دوم پیامدهای دیگری ایجاد شود که بر داوری وی اثر بگذارد؛ ثانیاً ممکن است شرایط و حالات فاعل اخلاقی تغییر کرده و از ادامه آن رفتار پشیمان شود.

نمونه (MI)، الف در زمان t1 تصمیم می‌گیرد که در زمان t2 به مدت یک هفته سیگار را ترک کند. برای تصمیم بر انجام دادن چنین کاری شخص باید نخست خود را ارزیابی کند تا شرایط را فراهم کند؛ اما نمی‌داند که آیا در زمان دوم می‌تواند خود را کنترل کند. آیا شرایط بیرونی و خارج از اراده‌ی وی اتفاق نمی‌افتد که وی در تصمیم خود مردد شود؟ پس عدم قطعیت، او را در ارزیابی خود برای انجام این تصمیم مردد می‌کند (Hansson, 2013: 18-20).

۶. پوزش خواهی و بخ شودگی^۱ فاعل سرگشته

مشکل دیگر فاعل اخلاقی در شرایط عدم

3. moral uncertainty and permissibility: evaluating option sets.

1. exculpatory. مقصود قبول عذر است.

2. Barry. Christian .

حالت دوم: اگر X در واقع خطا نباشد، الف به دلیل آنکه برخلاف باور به خطا بودن این رفتار را انجام داده است سرزنش می‌شود، اما ب سرزنش نمی‌شود (Barry, 2016, pp. 900-902) از این رو شخصی که با عدم قطعیت رفتار خطایی را انجام داد نسبت به کسی که دانسته خطا می‌دهد شایسته سرزنش کمتری است و به همین ترتیب پوزش خواهی فاعل موجه است.

در حالی که جولیا استافل^۱ در مقاله «بی‌ارتباطی عدم قطعیت اخلاقی» بر این باور است که باید بین باور خطا و رفتار خطا تمایز نهاد؛ او معتقد است شخص «ب» در حالت نخست نیز دو بار سرزنش می‌شود؛ زیرا به این دلیل که رفتار نادرستی را درست پنداشته و بر اساس پنداشت خویش رفتار کرده است؛ هر چند از جهت رفتار معذور بوده و سرزنش نمی‌شود اما به دلیل داشتن این باور و نقصان تلاش برای بهبود باورها سرزنش می‌شود (Staffel, 2019: 55-62).

هارمن در سطح بالاتری معتقد است تلاش برای رفع تردید مهم است و فرد سرگشته باید بکوشد تردید خود را برطرف

قاعده‌ای که آن را «شایسته سرزنش کمتر و شایسته بیشتر سرزنش» می‌خوانیم، بین رفتار خطا و سرزنش فاعل اخلاقی - در شرایط قطعیت و عدم قطعیت تمایز نهاد.

شرح بیشتر اینکه کریستین باری معتقد است شخصی که دانسته خطا کرده، بدین معناست که به باورهای خود متعهد نبوده است و شایسته سرزنش بیشتری نسبت به کسی است که از روی نادانی آن رفتار را انجام داده است. در تبیین دیدگاه وی باید گفت: اگر رفتار X از جانب شخص «الف» و شخص «ب» انجام یافته باشد با دو حالت فرضی روبه‌رویم:

شخص الف بر این اندیشه است که این رفتار از نظر اخلاقی خطاست و آن را انجام داده است؛

شخص ب بر این اندیشه است که آن رفتار خطا نبوده و انجام داده است.

در این صورت مسئله سرزنش شخص «الف» و «ب» دو حالت دارد:

حالت اول: اگر X در واقع خطا باشد، الف دو بار سرزنش می‌شود؛ به دلیل اینکه دانسته خطا کرده و به دلیل آنکه رفتار خطا داشته است و ب تنها به دلیل رفتار خطایش سرزنش می‌شود.

1. Julia Staffel.

خاص رشد کرده و پنداشت‌های خویش را از جامعه خود اخذ کرده، در باورها از آن فرهنگ متأثر می‌شود، او خود را متعهد به باورهای اخلاقی هر چند کاذب و نادرست آن جامعه می‌داند؛ در این صورت شخص به هنگام تردید درباره درستی و نادرستی، به باور اخلاقی کاذب متعهد خواهد بود و نه تنها تصمیم و رفتار بر اساس این باور کاذب و غلط، قابل سرزنش نخواهد بود بلکه تلاش وی برای حصول باور درست، انتظاری بیهوده است و در باور به باورهای کاذب قابل سرزنش نیست. اگر بخواهیم سرزنش شخص سرگشته در عدم قطعیت‌ها را به گونه‌ای حل کنیم، باید به منشأ اخلاقیات توجه کنیم.

اگر باورهای شخص در هدایت رفتار وی مؤثر است، دیدگاه استافل راه حل مناسبی است اما کامل نیست. از نظر ایشان شخص باید برای حصول باور درست تلاش کند و سستی فرد برای حصول رفتار درست قابل سرزنش است؛ اما این پرسش مطرح می‌شود که ملاک و سنجۀ تلاش فرد چیست و آیا زمانی یا محتوایی است؟ آلبرد پادگروسکی^۱ در مقاله «عدم

کند و اگر تلاش نکرده و به انجام دادن رفتار بر اساس تردیدها تصمیم گرفته است، از این جهت سرزنش می‌شود (Harman, 2015: 67).

به نظر می‌رسد دیدگاه استافل انسجام بیشتری دارد؛ زیرا در حالت باورمحوری باید نسبت باور با عمل را ملاک ارزیابی قرار داد، نه واقعیت را. مشکل کریستین باری این است که وی برای ارزیابی فرد از اساس اخلاقی وی، یعنی باورها عدول کرده است.

افزون بر این، هر دو دیدگاه به هنگام بحث از عدم قطعیت باید به میزان باور توجه کنند. اگر الف و ب هر دو X را انجام داده‌اند، اما میزان باور آنان به درستی آن متفاوت باشد، نمی‌توان به شیوه واحد این دو شخص را سرزنش کرد. اگر «الف» باور دارد X هشتاد درصد خطاست و «ب» تنها به خطای بیست درصدی دست یافته است، در صورتی که بر خلاف باورهایشان رفتار کرده باشند، شدت سرزنش و معذوریت متفاوت خواهد بود.

اشکال اساسی‌تر این است که فهم و تلاش برای حصول باور درست، برای همه افراد ممکن نیست. فردی که در جامعه‌ای

1. Abelard Podgorski.

درست و نادرست. به نظر می‌رسد با تمایز بین سطح نظر و عمل می‌توان گفت این مرز در عمل از بین نمی‌رود:

(۱) عدم قطعیت امری ذهنی است و در مرحله رفتار، منطق درست یا نادرست حاکم است. فاعل می‌تواند در اندیشه خود بی‌نهایت تردید کند، اما وقتی عزم کند که فعلی را تحقق بخشد، با ترجیح دادن یک طرف، داوری کرده که درست است؛ در این صورت اگر شخص در تردید یکی از دو گزینه‌ای که برگزیده، در واقع درست بوده، مستحق پاداش است و اگر در واقع درست نبوده، به خطای اخلاقی دچار شده است.

(۲) بین تصمیم در حالت اطمینان، عدم اطمینان و احتمال در فرایندهایی که برای عزم و تصمیم است، تفاوت وجود دارد؛ یعنی چگونگی تصمیم در زمانی که پیامد را نمی‌داند یا کامل نمی‌داند، متفاوت از زمانی است که پیامدها را می‌داند. همچنین تصمیم زمانی که سرانجام احتمالاً مثبت و سرانجام احتمالاً منفی است، متفاوت است. یعنی فرایندهای تصمیم متفاوت است. در مواردی که احتمال پیامد منفی وجود دارد، باید بررسی و تأمل بیشتری کرد و به زبان عملی باید تحلیل

قطعیت هنجاری و مشکلات وابستگی» (در بخش باورهای غیر قطعی) را هکار عملی‌تری را مطرح کرده است. اگر عدم قطعیت مبتنی بر باور باشد، معیار ترجیح یک باور بر باور دیگر وجود دلیل است و شخص باید بر اساس باور، همراه با دلایل معتبر عمل کند؛ در این صورت در حالت عدم قطعیت بین باور مبتنی بر دلیل و باور محض تفاوت وجود دارد.

اگر عدم قطعیت مبتنی بر احتمال باشد و شخص بین دو گزینه مردد است، معیار ترجیح یک گزینه، میزان احتمال درستی آن است و طبیعی است که گزینه با احتمال درستی بیشتر بر گزینه با احتمال درستی کمتر ترجیح دارد. در این صورت عمل یا باید بر اساس باور همراه با دلیل معتبر باشد و یا عمل بر اساس سنجش عینی و احتمال-59 (Podgorski, 2020): 60).

۷. عدم قطعیت در نظر و محدودیت در عمل

عدم قطعیت اخلاقی مستلزم این است که مرز دقیق میان درستی و نادرستی از بین برود و فاعل اخلاقی در این حالت میان درست و درست‌تر سرگشته باشد، نه

تصمیم در شرایط پیش‌بینی‌ناپذیری حوادث معطوف است، یعنی تصمیم‌هایی که به حوزه اخلاق مرتبط نیست. به طور مثال تصمیم در حیطه محیط زیست و تغییرات ژنی گیاهان ذاتاً مربوط به اخلاق نیست، اما در صورتی که این تغییرات موجب آسیب شود، مسائل اخلاقی آن اهمیت می‌یابد. «اخلاق عدم قطعیت» به این دست از مسائل توجه می‌کند. عدم قطعیت قسم نخست از یک‌سواز نوع معرفت فاعل اخلاقی به پیامد تصمیم و رفتار، متأثر است؛ در این حالت فاعل اخلاقی ممکن است خالی از معرفت قطعی بوده و در این صورت با امکان صرف (عدم اطمینان) یا احتمال صرف بدون برآورد عددی سرانجام و همراه با جهل تصمیم بگیرد یا اینکه ممکن است تلاش کرده و با علم احتمالی برآورد عدد و درصد پیامد، به معرفت قطعی نزدیک شده و تصمیم بگیرد. همچنین در این پارادایم، تصمیم به سه قسم مطمئناً درست، درست ممکن و احتمالاً درست تقسیم می‌شود.

اگر تصمیم اخلاقی مبتنی بر معرفت احتمالی اتخاذ شود، تردید هنجاری به عدم

ریسک کرد. یکی از فرایندهای تصمیم در حالت عدم قطعیت، سنجش تجربی و برآورد آثار و عوارض تصمیم، یعنی تحلیل آسیب و خطر احتمالی^۱ تصمیم است (الوانی، ۱۳۷۴: ۲۰۶) و محققان در حیطه «اخلاق عدم قطعیت»^۲ نیز این فرایند را ضروری می‌دانند (Barry, 2016: 902; Roeser, 2009: 16; Fleischhu, 2013: 65).

پس طی این مرحله در مقام نظر، فاعل گزینه‌ای را که درست می‌داند ترجیح می‌دهد. از این رو تفاوت فرایندهای تصمیم، یک فعل را نسبت به فعل دیگر درست‌تر نمی‌کند. این نسبت سنجی‌ها در مرحله نظر مطرح می‌شود، نه در مرحله عمل. در مرحله عمل، تنها تحقق است و تحقق یافتن یک رفتار، مستلزم درست دانستن آن است.

نتیجه‌گیری

«عدم قطعیت اخلاقی» و «اخلاق عدم قطعیت» دو اصطلاح متفاوت است؛ اولی به تردید در هنجارها یعنی تردید در درستی و نادرستی، الزام و مفاهیم دیگر در حوزه عمل مرتبط است و دومی به مسائل اخلاقی

2. ethics of risk and uncertainty.

1. risk analysis.

مقام نظر به سه قسم پیش گفته تقسیم می‌شود، اما در واقع و در مقام عمل تصمیم یا درست است و یا نادرست است؛ زیرا فرد یا آن را انجام می‌دهد یا نمی‌دهد و در خارج حالتی بین این دو امکان تحقق ندارد.

یک راه حل، تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت روش نظریه‌های تصمیم است، یعنی محاسبه هزینه-سود تصمیم. البته منتقدان بر آنند که این روش ممکن است در تصمیم‌های اجتماعی با عدالت سازگار نباشد؛ علاوه بر این تصمیم همیشه ناظر به آینده است و برآورد هزینه-سود-در شرایط کنونی صورت می‌گیرد و برآورد دقیق از سود و هزینه مشکل است؛ راه حل دوم، تصمیم بر اساس باور حداکثری و احتمال حداکثری است، اما در مواردی که انتخاب گزینه حداکثری منجر به سود مورد انتظار تصمیم‌گیرنده شده و گزینه حداقلی مانع خطری جدی می‌شود، انتخاب گزینه حداقلی معقول‌تر است. راه حل سوم، کاربست روش نظریه‌های تصمیم و بر اساس سنجش عینی و تجربی برآورد می‌شود. در این صورت باید خطر

قطعیت توصیفی نزدیک می‌شود؛ با این تفاوت که عدم قطعیت توصیفی، به احتمالات تجربی^۱ و عینی مربوط به آثار رفتار مربوط است و عدم قطعیت اخلاقی به احتمال درستی و نادرستی رفتار اهمیت می‌دهد؛ همچنین عدم قطعیت اخلاقی مبتنی بر معرفت احتمالی با خوانش عین‌گرایی سازگارتر است. در این حالت فاعل اخلاقی تنها به دلیل رفتار خطا سرزنش می‌شود. اگر تصمیم اخلاقی مبتنی بر عدم اطمینان اتخاذ شود، عدم قطعیت اخلاقی به خوانش ذهن‌گرایی نزدیک می‌شود و در خوانش ذهن‌گرایی و باورمحوری، عذرخواهی فاعل به دلیل رفتار خطا موجه بوده و این فاعل سرزنش نمی‌شود؛ اما عذرخواهی وی به دلیل داشتن باور غلط پذیرفتنی نبوده و از این جهت قابل سرزنش است. در نهایت مبتنی بر عدم قطعیت اخلاقی، همه دروغ‌ها، دروغ نیستند و همه راست‌ها، راست نیستند؛ بلکه دروغ با راست ترکیب می‌شود. این تفسیر از اخلاقیات مستلزم نسبی‌گرایی در سطح فرا اخلاق است که منتقدان، به نقد آن پرداخته‌اند. البته باید گفت تصمیم در شرایط عدم قطعیت در

1. empirical uncertainty probabilities.

و آسیب احتمالی پیش‌بینی شده و کنترل
و یا جبران شود.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه / رساله: این مقاله برگرفته از پایان نامه/رساله نبوده است.

منابع

- ادوارد مور، جرج. (۱۳۶۶). اخلاق. مترجم اسماعیل سعادت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- اسلامی، ادریس (و دیگران). (۱۳۹۴). بررسی و نقد نظام قوانین اخلاقی در نظریه اخلاقی شخص گرا. فصل نامه پژوهش نامه اخلاقی. دانشگاه معارف اسلامی. سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۸۱-۱۱۶.
- بهشتی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی مسأله تأثیر نسبیّت فیزیکی بر اخلاق. پژوهش نامه اخلاق، شماره ۲۰، صص ۱۶۳-۱۷۶.
- جمشیدی، فاطمه (و دیگران). (۱۳۹۷). بررسی و نقد دیدگاه پیتر سینگ در باره اخلاقی بودن سقط جنین. تأملات فلسفی زنجان، سال هشتم، شماره ۲۱، صص ۲۲۹-۲۵۴.
- http://phm.znu.ac.ir/article_34357_c19d285151cb1e5201f928d631d951a8.pdf
- تاج میر ریاحی، حسن و تقوی، مصطفی. (۱۳۹۴). بررسی معضل نظریه های اخلاقی نتیجه گرا در مواجهه با عدم قطعیت در فناوری های نوپدید. روش شناسی علوم، دوره ۲۱، شماره ۸۵، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- کمالی، سید مجید (و دیگران). (۱۳۹۴). پیامدهای تفسیر ساجکتیو هگل از اخلاق ارسطویی. غرب شناسی بنیادی دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۱۵-۱۳۲.
- شفیع نیا، مریم و دیگران. (۱۳۹۷). پایان قطعیت ها؛ بوطیقای عدم قطعیت در رمان پست مدرن «پستی». فصل نامه ادبی، شماره ۱۶، صص ۷۵-۱۰۶.
- طهماسبی، ستار. (۱۳۹۶). مبانی متافیزیکی فیزیک کوانتوم دیوید بوهم (با محوریت ایده نوین جهان. تأملات فلسفی، سال هفتم، بهار و تابستان، شماره ۱۸، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- http://phm.znu.ac.ir/article_27157_ce3c416168f01b00b1e399e6b7a7fe39.pdf
- گنسلر، هری. جی. (۱۳۸۵). درآمدی جدید بر فلسفه اخلاق. تهران. نشر آسمان خیال.
- مختاری، محمود و دیگران. (۱۳۹۱). پیش بینی ناپدید شدن سرنوشته جهان تندشونده. فلسفه علم، دوره ۲، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۶.
- واله، حسین. (۱۳۹۲). پوپر و عدم قطعیت. فلسفه علم، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱-۱۲.
- Baron, Jonathan (2017), "Uncertainty and Probability within Utilitarian Theory", *Diametros*, V. 53: 6-25.
- Carr, Jennifer Rose (2020), "Normative Uncertainty without Theories", *Australasian Journal of Philosophy*, V. 98. Issue 4, pp. 747-762.
- Dietrich. Franz and Jabarian. Brian (2019), "Decision under Normative Uncertainty", *Journal Behavioral & Experimental Economics*. (<https://www.researchgate.net/def/http%3A%2F%2Fwww.franz-dietrich.net%2FPapers%2FDietri>)

- Consequences, Oxford: Oxford University Press.
- MacAskill, William (2016), "Normative Uncertainty as a Voting Problem", *the Mind*, V. 125, pp. 967–1004.
 - ----- (2020), "Practical Ethics Given Moral Uncertainty", in: *Moral Uncertainty*: Oxford University Press, pp.179-197.
 - -----, Bykvist, Krister And Ord, Toby (2020), *Moral Uncertainty*, Oxford University Press.
 - Mathematisch Barry, Christian and Tomlin, Patrick (2016), "Moral uncertainty and permissibility: evaluating option sets", *Canadian Journal of Philosophy*, V. 46 (6), pp. 898-923.
 - Podgorski, Abelard (2020), "Normative Uncertainty and the Dependence Problem", *Mind*, V. 129, pp. 43–70.
 - Staffell Julia (2019), "Normative uncertainty and probabilistic moral knowledge", Springer.
 - chJabarian-NormativeUncertainty.pdf)
 - Fleischhu, Nadine, and Gerd Gigerenzer, Elke van der Meer, Werner Güth (2013), *Moral Judgment and Decision Making Under Uncertainty*, Humboldt Universität zu Berli.
 - Hansson, Sven Ove (2013), *The Ethics of Risk: Ethical Analysis in an Uncertain World*, First published by Palgrave Macmillan.
 - ----- (1996), "Decision Making under Great Uncertainty", *Philosophy of the Social Sciences*, V. 26, pp.369-386.
 - -----(2005), *Decision Theory*, Stockholm: Department of Philosophy and the History of Technology, Royal Institute of Technology (KTH).
 - Harman, Elizabeth (2015), "The Irrelevance of Moral Uncertainty", *Essays in Oxford Studies in Metaethics*, Oxford University Press, V.10, pp. 53-80.
 - Hicks, Amelia (2018), "Moral Uncertainty and Value Comparison", *Essays in Oxford Studies in Metaethics*: Oxford University Press, V. 13, pp.161-184.
 - Hillerbrand, R. S. P. Roeser, S.Peterson, M. (2009), *Handbook of risk theory: epistemology, decision theory, ethics and social implications of risk*, S. 1, Springer.
 - Lockhart, Ted (2000), *Moral Uncertainty And Its*